

نابرابری دستمزد، ستمی مضاعف برای زنان کارگر

الهام هومین فر



اگر آن گونه که گفته میشود دو سوم کار جهانی را زنان انجام میدهند اما تنها یک دهم درآمد جهان به آنان اختصاص مییابد در واقع ما با استثمار آرامی روبرو هستیم که براساس جنسیت نابرابری عمیقی را نهادینه کرده است. آمارهای سال 1998 نشان از آن دارد که دوسوم از یک میلیارد جمعیت بزرگسال بیسواد و محروم جهان زن هستند.

اگر آن گونه که گفته میشود دو سوم کار جهانی را زنان انجام میدهند اما تنها یک دهم درآمد جهان به آنان اختصاص مییابد در واقع ما با استثمار آرامی روبرو هستیم که براساس جنسیت نابرابری عمیقی را نهادینه کرده است.

آمارهای سال ۱۹۹۸ نشان از آن دارد که دوسوم از یک میلیارد جمعیت بزرگسال بیسواد و محروم جهان زن هستند. ۱

این مسأله در سراسر جهان به واسطه نابرابریهای متعدد که براساس جنسیت روا میشود؛ تشدید و توسعه یافته است از این روست که مک کورمک معتقد است نظریه مدرنیسم زنان را به عنوان عوامل مهم در توسعه در نظر نگرفته است و منافع و شرایط بهتری که در جریان مدرنیسم برای زنان فرض شده جنبه تخیلی دارد. ۲

اگرچه طبق قوانین بینالمللی میبایست دستمزد زنان و مردان برابر و عادلانه باشد اما همچنان آمار نشان از شکاف عمیق بین دستمزد آنان برای کارهای برابر بر اساس جنسیت دارد.

اداره آمار استرالیا اعلام کرده است که زنان در این کشور حدود ۱۸ درصد کمتر از کارکنان مرد در سراسر بخشهای استخدامی حقوق و دستمزد میگیرند. ۳ سازمان جهانی کار این رقم را در سال ۲۰۰۶ برای آمریکا ۴/۲۲ درصد، کانادا ۵/۲۷ درصد و ژاپن ۷/۳۳ درصد نشان می دهد در همین سال این رقم برای ایران ۶/۱۹ درصد بوده است. ۴

مطالعه ای در بنگلادش نشان میدهد که شکاف دستمزد بین زنان و مردان

برای کارهای یکسان به شدت عمیق است. از طرفی، موقعیتها و مسئولیتها در کارهای تولیدی، عمدتاً در دست مردان است و از طرف دیگر، زنان کارگر حتی زمانی که متعهدتر هستند و کارایی بهتری دارند، دستمزد ناچیزتری دریافت می‌کنند. یکی از کارخانه‌داران در بنگلادش می‌گوید: ما زنان کارگر را به مردان ترجیح می‌دهیم زیرا مسئولتر از مردان هستند. با این وجود دستمزد آنان به مراتب کمتر از مردهاست.

این تحقیق نشان می‌دهد که زنان کارگر در بخش تولید پوشاک تنها کمی بالاتر از سطح فقر درآمد دارند. سطح درآمد ۷۰ درصد این کارگران روی خط فقر قرار گرفته است. ۵

به عبارتی شکاف دستمزد نشان از استثمار و سوء استفاده‌ای است که توامان توسط سرمایه‌داری و نظام مردسالاری در این کشورها شکل گرفته و به آرامی پیش می‌رود.

مطالعه دیگری در سال ۲۰۱۰، نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان تحت عنوان گروه آسیب‌پذیرشغلی طبقه‌بندی می‌شوند. کارگرانی که تحت عنوان گروه (آسیب‌پذیر) طبقه‌بندی شدند به کسانی گفته می‌شود که دستمزد ناچیز و غیردائمی دارند. اکثر کسانی که به‌طور فصلی یا موقتی کار می‌کنند (کارگران ساختمانی)، خوشه‌چین‌ها یا افرادی که در کارگاه‌های قالب‌بافی، کارگاه‌های خانگی، یا بعنوان خدمتکاران دائمی بدون دستمزد در خانه ثروتمندان کار می‌کنند؛ همه جزء این گروه هستند. تقریباً تمام این گروه از بیمه درمانی و بیکاری، حق مرخصی سالانه، مرخصی بیماری و حق بازنشستگی محروم هستند. این مطالعه نشان می‌دهد درصد زنانی که به این نوع کارها اشتغال دارند در کشورهای درحال توسعه به مراتب بالاتر است.

با این وجود مطابق با بررسی اسناد و آمار مربوط به سازمان جهانی کار، تفاوت دستمزد بین زنان و مردان در همه کشورها به عنوان یک مساله اجتماعی است و کشورهای صنعتی بعضاً گوی سبقت را در این مساله از دیگر کشورها ربوده‌اند در سال ۲۰۰۶ این نابرابری در آمریکا ۴/۲۲ درصد، کانادا ۵/۲۷ درصد، ژاپن ۷/۳۳ درصد، چین ۷/۳۲ درصد، و در اتحادیه اروپا ۹/۱۵ درصد است در همین سال این ارقام برای برخی از کشورهای دیگر عبارتست از: ۳/۹ درصد برای تایلند، ۶/۱۶ درصد مکزیک، ۴/۱۲ درصد مصر، ۶/۱۹ درصد ایران، ۵/۲۱ درصد کلمبیا. در مورد تفاوت بالای سطح دستمزدها بین دو جنس در کشورهای بزرگ و پیشرفته سرمایه‌داری همچون آمریکا و کانادا به چند نکته

می‌توان اشاره کرد. در این دو کشور در مقایسه با اروپا قوانین مربوط به کار و دستمزد سخت و محدودکننده نیستند. سندیکاهای کارگران و کارکنان چندان قدرتی در این دو کشور ندارند و دست سرمایه‌داران و صاحبان کار برای سوء استفاده بازتر است. در هر دو کشور درصد بالایی از مهاجرین وجود دارند که مجبورند با قیمت ارزان‌تر کار کنند. اما در مورد ژاپن که دومین قدرت اقتصادی دنیا است بیشتر به بافت فرهنگی و سنتی این جامعه می‌توان اشاره کرد. علیرغم پیشرفت‌های صنعتی و علمی در این کشور هنوز شکافها و تبعیضها بین دو جنس بخش مهمی از روابط، فرهنگی و اجتماعی جامعه است. در ضمن مبارزات زنان در این امپراطوری هنوز ابتدایی‌تر از آن است که بتواند جنبش برابری طلبانه زنان را سازماندهی کند. ۶

تحقیقات جهانی نشان می‌دهد که زنان شاغل هم از نظر افقی و هم از نظر عمودی از مردان شاغل جدا شده‌اند. منظور از جدایی در سطح افقی این است که بیشتر کارهای دفتری، منشی‌گری، فروشنده، مشاغل موجود در بخش خدمات را زنان انجام می‌دهند و این شکاف از منظر عمودی به معنی آن است که احتمال باقی ماندن در رده‌های پائین نردبان کار برای زنان بیش از مردان است. زنان در شرایط برابر از نظر دانش مهارت و استعداد شغلی دستمزدهای پائین‌تری دریافت می‌دارند. توزیع زنان در مشاغل در کل به نحوی است که در شرایط شغل برابر با یک مرد معمولاً از صلاحیت‌های علمی و تخصصی بالاتری برخوردارند. ۷

برای روشن‌تر شدن وضعیت کلی اقتصادی زنان در ایران و برجسته کردن تبعیضهای جنسیتی و همچنین فقر و تهیدستی آنها مرجان افتخاری به تحقیقات فروم اقتصاد جهانی مراجعه کرده است که براساس آن نابرابری عمیقی بین دو جنس در این زمینه مشاهده می‌شود:

نتیجه تحقیقات فرم اقتصاد جهانی در مورد ایران سال ۲۰۰۹

با توجه به قیمت کالاهای مصرفی و به‌طور کلی هزینه‌های روزانه مردم سطح دستمزد مردان که به‌طور متوسط ۱۴.۱۵ دلار در روز اعلام شده است گویای گسترده‌ی فقر در ایران است. در واقع درآمد متوسط ۵.۷۷ دلار در روز زنان تنها شکاف بین دو جنس را مطرح نمی‌کند بلکه فقر شدید آنها را برجسته می‌سازد. ۸

پژوهش دیگری که در سال ۱۳۸۹ توسط دکتر اعزازی ودانشجویانش انجام شده حاوی نکته مهمی در عرصه آسیب‌های اجتماعی ایران است. این تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج موقت در حال تبدیل شدن به یک شغل

برای زنان کم درآمد است. ۹

به عبارتی بخشی از زنان شاغل نه تنها در حال استثمار مضاعف به واسطه نابرابری جنسیتی در دستمزد هستند بلکه به واسطه همین امر به بردگی جنسی نیز برده میشوند.

مطالعه‌ای که توسط لادن نوروزی انجام شده نشان می‌دهد که مطابق آمار ۱۳۷۵، متوسط درآمد سالانه مردان مناطق روستایی و شهری در ایران $\frac{2}{2}$ و $\frac{1}{8}$ برابر درآمد زنان است و در ساعات کار مساوی مردان شهری ۶۳ درصد بیشتر از زنان شهری درآمد کسب می‌کنند. ۱۰

تحقیق دیگری در ایران حاکی است که افزایش حقوق در همه موارد نسبت به میانگین، در مردان بالاست همچنین زنان از نظر سرمایه انسانی در بعد تفسیر احساسات و استفاده از حواس متعدد در اطلاعات و فرایندهای ذهنی پس از هم‌تاسازی دستمزدها در هر دو نوع بخش دستمزد ساعتی و ماهانه بر مردان برتری دارند و در آگاهی از شرایط محیطی این برتری در دستمزد ساعتی دیده می‌شود اما رابطه بین افزایش دستمزد و توانایی‌های مربوط به فرایندهای ذهنی و ورودی اطلاعات فقط در تصمیم‌گیری و آن هم به نفع مردان وجود دارد. به عبارتی این مطالعه نشان می‌دهد علیرغم شایستگی برابر بین زنان و مردان در حیطه کاری، تفاوت معنی‌داری در دریافت دستمزد و حقوق بین دو جنس وجود دارد. ۱۱

از منظر فرهنگی در جوامع مردسالار، مردان نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند و در واقع بیشترین نقش را در فضای عمومی می‌بایست در اختیار گیرند. در نتیجه بسیاری از مشاغل در انحصار آنان قرار می‌گیرد و عمدتاً مشاغلی چون آموزش، پرستاری و ... که با دستمزد کم عجين هستند برای زنان در نظر گرفته می‌شود. از طرفی مشاغل پاره‌وقت به دلیل نگاه حاشیه‌ای حاکم به نقش اجتماعی زنانه، برای زنان مناسب‌تر پنداشته می‌شود چرا که عمده نقش زن در فضای خصوصی و خانواده تعریف شده و تقسیم کار جنسیتی تعیین شده در خانه با شغل‌های پاره‌وقت تناسب لازم را دارند. شغل‌هایی که دستمزد اندک، مزایای محدود و موقعیت شغلی پائین و بدون ارتقاء را برای زنان بازتولید نموده است. بیشترین زمان کاری زنان عمدتاً در فضای خصوصی به کار بی‌مزد خانگی اختصاص می‌یابد. این مسأله حتی برای زنانی که کار تمام وقت دارند نیز صادق است چرا که مبحث اضافه‌کاری و یا حضور در عرصه‌های دیگر شغلی برای آنان به دلیل نقش‌های سنتی تعریف شده، با محدودیت همراه است.

اکثر کارفرمایان مدعی هستند که زنان توانایی جسمی لازم را ندارند، دانش فنی آنها ضعیف است، علاقه به یادگیری ندارند و زایمان، تربیت فرزندان و مسائل خانه و خانواده عاملی جهت کاهش بهره‌وری آنهاست. با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نگرش منفی از کلیشه‌های جنسیتی برخاسته و در واقع کارفرمایان از توان بالای زنان در انجام کار بهتر و دقیق‌تر آگاهند و روحیه همکاری آنان در تسهیل عملکرد بی‌نهایت ارزشمند است اما نگرش منفی موجود به همراه سوء استفاده کارفرمایان جهت حضور نیروی کار ارزان‌تر به مسأله دامن زده است. و فضا را برای استثمار مضاعف زنان مهیا نموده است. قدرت چانه‌زنی زنان به دلیل اجتماعی- فرهنگی در عرصه اشتغال به مراتب پایین‌تر از مردان است و خلاء قانونی و مدیریتی موجود فضا را برای سوء استفاده از این نیروی کار فراهم آورده است.

علاوه بر این، زنان به دلیل جایگاه فرودستی در اجتماع از سواد و تخصص کمتری نسبت به مردان برخوردارند. به عبارتی توسعه انسانی کمتری را دریافت داشته‌اند در نتیجه شغل‌هایی که می‌توانند داشته باشند از سطح تخصصی کمتری برخوردار است و عمدتاً از نظر قانونی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. شغل‌های خدماتی، پرستاری و کارگری ساده از این دست می‌باشد که این شغل‌ها در سطح پائین درآمد، فاقد بیمه و مزایای شغلی معمولی در جوامع است. همچنین زنان به دلیل رویکرد مردسالارانه جامعه همواره مورد تهدید جهت سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند و در نتیجه محیط کاری، خشونت و ناامنی جنسی را برای بخشی از این نیرو که بعضاً از قدرت اجتماعی پائین نیز برخوردارند به همراه می‌آورد. خشونت جنسیتی در محیط کار، علت عمده ترک شغل زنان، تحقیر آنان عدم ارتقاء شغلی و یا حتی تن دادن به شغل‌های فرومایه اما با امنیت جنسی بیشتر برای حفظ جایگاه انسانی و اجتماعی خود هستند. این مسأله نه تنها بر روی دستمزد که بر روی ارتقاء شغلی آنان نیز تأثیر مستقیم دارد.

زیرنویس

۱- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ۱۳۸۲

۲- Moc Cormack, ۱۹۸۱, p: ۱۸

۳- زن در کشورها ۱۳۸۹

۴- <http://www.ilo.org>

۵- نازیا آفرین، سیدا، روزنامه سرمایه ۱۳۸۶/۲/۱۸

۶- افتخاری، مرجان، ۲۰۱۰: ۴۳- ۴۴

۷- Pascal, ۱۹۹۷: ۷۳

۸- افتخاری، مرجان، ۲۰۱۰، ص: ۴۳-۴۶

۹- همان ص: ۴۷

۱۰- نوروزی، لادن، ۱۳۸۳

۱۱- عریضی، حمید رضا، ۱۳۸۵، ص: ۸۷

منبع: کانون مدافعان حقوق کارگر

kanoonmodafean۱.blogspot.com

فهرست منابع

۱- نازیا آفرین ، سیدا ، ۱۳۸۶ ، نابرابری دستمزد در صنعت پوشاک،

ترجمه سونیا غفاری، روزنامه سرمایه، شماره ۴۰۵، ۱۸/۲/۸۶

۲- زن در کشورها، حقوق زنان، ۱۳۸۹، دفتر مطالعات زنان، دانشگاه تهران.

۳- افتخاری، مرجان، ۲۰۱۰، فقر و تهیدستی زنان و کودکان در جهان و ایران.

۴- عریضی، حمیدرضا، ۱۳۸۵، بررسی تجربی شکاف دستمزدی مبتنی بر جنسیت در صنعت ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۱.

۵- نوروزی، لادن، ۱۳۸۳، تفاوت جنسیتی در ساختار شغلی، مجله پژوهش زنان، شماره ۸.

۶- Pascall, G. (۱۹۹۷), Social policy: A new feminist Analysis, London,

Routledge

۷- Mc cormick.T. (۱۹۸۱), Development with equity for women, In-

N. Black, (ed) Women and word change: Equity Issues in
,Development (Beverly Hills

.Ca: sage), pp. 10-30